

پژوهش‌های معماری اسلامی ۲۲

شماره شایب X ۱۳۹۸

فصلنامه علمی
قطب علمی معماری اسلامی
سال هفتم - شماره اول - بهار ۱۳۹۸

- مطالعه‌ی تطبیقی حجاب‌زدایی و حریم‌زدایی در البسه و ابنیه‌ی ایرانی قبل و بعد از ظهور سلسله‌ی پهلوی
محمد منان رئیسی / زهرا انصاری‌پورا
- مطالعه تطبیقی ساختار کالبدی و کارکردی میدان صاحب آباد تبریز و میدان نقش جهان اصفهان در ادوار تاریخی
عیسی حجت / آرزنا بلالی اسکویی / ثنا یزدانی
- میدان اسب شاهی: جلوخان دولت‌خانه صفوی قزوین
حمیدرضا جیحانی / فاطمه رجبی
- روند دگرگونی‌های کالبدی مدارس ایران: از دوره سلجوقی تا دوره قاجار (از قرن پنجم تا چهاردهم هجری قمری)
منصوره محسنی
- طبیعت، سیاست و معماری: بازخوانی برهم‌کنش مؤلفه‌های طبیعت، سیاست و فرهنگ در فرآیند آفرینش معماری مسجد کبود تبریز
محمدباقر کبیرصابر / امیر امجد محمدی
- شهر مربی کودک: باز تولید الگوی شهر دوست‌دار کودک در بستری ایرانی اسلامی
پریا یارسا / مرتضی میرغلامی / مینو قره بگلو
- تبیین وجوه تنوع آفرین میراث مسکونی اصفهان
آزاده حریری / بهنام پدرام / مریم قاسمی سجالی



شماره شایا: X - ۹۷ - ۳۳۸۷

پژوهش‌های معماری اسلامی ۲۲

فصلنامه علمی
قطب علمی معماری اسلامی
سال هفتم - شماره اول - بهار ۱۳۹۸

لیست داوران این شماره:

دکتر علی اسدیپور (استادیار دانشگاه هنر تبریز)
دکتر لیدا بلبلان اصل (استادیار دانشگاه هنر تبریز)
دکتر سعید حقیر (استادیار دانشگاه تهران)
دکتر حسن سجاذزاده (استادیار دانشگاه بوعلی همدان)
دکتر بهزاد عمران زاده (استادیار دانشگاه تهران)
دکتر محمود قلعه نویی (استادیار دانشگاه هنر اصفهان)
دکتر راضیه لیبیب زاده (استادیار دانشگاه آزاد)
دکتر حامد کامل نیا (استادیار دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر اکبر کیانی (استادیار دانشگاه زابل)
دکتر محمدباقر کبیر صابر (استادیار دانشگاه تهران)
دکتر شهریار ناسخیان (استادیار دانشگاه هنر اصفهان)
دکتر احد نژاد ابراهیمی (استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز)
مهندس عبدالحمید نقره کار (دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران)
دکتر سید مجید هاشمی (استاد دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی)
دکتر بهزاد وثیق (استادیار دانشگاه صنعتی جندی شاپور)
دکتر نیما ولی بیگ (استادیار دانشگاه هنر اصفهان)

نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی بر اساس مجوز کمیسیون نشریات وزارت علوم تحقیقات و فناوری به شماره ۱۳۷۲۰۶ / ۳ / ۱۸ مورخ ۹۳ / ۷ / ۲۸ از شماره نخست دارای اعتبار علمی پژوهشی می باشد.

این مجله در پایگاه‌های (SID) و (ISC) نمایه می شود.

مدیر مسئول: معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران

سر دبیر: دکتر محسن فیضی

مدیر داخلی: دکتر فاطمه مهدیزاده سراج

ویراستار ادبی فارسی: سارا متولی

کارشناس مجله: امیرحسین یوسفی - زهرا کاشانی دوست

ویراستار انگلیسی: محمد رضا عطایی همدانی

هیأت تحریریه:

دکتر سید غلامرضا اسلامی: دانشیار دانشگاه تهران
دکتر حسن بلخاری: استاد دانشگاه تهران
دکتر مصطفی بهزادفر: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر محمد رضا پور جعفر: استاد دانشگاه تربیت مدرس
دکتر مهدی حمزه نژاد: استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر اسماعیل شیعه: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر منوچهر طیبیان: استاد دانشگاه تهران
دکتر حمید ماجدی: استاد واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی
دکتر اصغر محمد مرادی: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر غلامحسین معماریان: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر فاطمه مهدیزاده سراج: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
مهندس عبدالحمید نقره کار: دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر محمد تقی زاده: استادیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی
دکتر علی یاران: استاد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

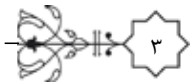
طراح جلد و صفحه‌آرا: امیرحسین یوسفی

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

مقالات مندرج در این مجله، الزاماً بیانگر نقطه نظرات «پژوهش‌های معماری اسلامی» و «قطب علمی معماری اسلامی» نمی باشد و نویسندگان محترم، مسئول مقالات خود هستند.

نشانی دفتر مجله: دانشگاه علم و صنعت ایران / قطب علمی معماری اسلامی / کد پستی ۱۶۸۴۶۱۳۱۱۴ / **تلفن مستقیم:** ۰۲۱ - ۷۷۴۹۱۲۴۳

نشانی راینامه: jria@iust.ac.ir / **نشانی وب:** <http://iust.ac.ir/jria>



مطالعه‌ی تطبیقی حجاب‌زدایی و حریم‌زدایی در البسه و ابنیه‌ی ایرانی قبل و بعد از ظهور سلسله‌ی پهلوی



محمد منان رئیسی*

استادیار معماری دانشگاه قم (نویسنده‌ی مسئول)

زهرا انصاری‌پور**

کارشناسی معماری، دانشگاه قم

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۰۹/۲۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۱۲/۲۱

چکیده:

مسئله‌ی عدم رعایت حریم در البسه و ابنیه‌ی معاصر ایرانی، از مسائل مهم فرهنگی کشور است که به دلیل عدم تناسب با فرهنگ اسلامی ایرانی، تبعات فرهنگی اجتماعی مختلفی را در جامعه‌ی معاصر ایران به بار آورده است. این پژوهش با استفاده از روش تفسیری تاریخی و با استناد به منابع اسنادی، به ژرف‌کاوی این سؤال می‌پردازد که آیا به لحاظ تاریخی، در تحولات سده‌ی اخیر ایران، بین حجاب‌زدایی در البسه (به طور خاص لباس بانوان) و حریم‌زدایی در ابنیه (به طور خاص بناهای مسکونی) ارتباط معناداری وجود دارد؟ طبق یافته‌های این پژوهش و در پاسخ به سوال فوق چنین استنباط می‌شود که در تاریخ معاصر ایران، کنش‌های حجاب‌زدا و حریم‌زدا در البسه و ابنیه، ریشه در بینش مشترکی دارند که مکتب فکری لیبرالیسم، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وجوه مدرنیزاسیون و تجددمآبی با تأکید بر آزادی مطلق فرد، وجه شاخص این بینش است. در دوره‌ی پهلوی، مابه‌ازای این لیبرالیسم در البسه، به کشف حجاب و آزادی مطلق بانوان در پوشش و حجاب تعبیر شد؛ کما اینکه مابه‌ازای آن در معماری، به برونگرایی و حریم‌زدایی از بناها (لیبراسیون فضایی) تعبیر گردید. علاوه بر مبنای بینشی مشترک، از مهم‌ترین وجوه مشترک حجاب‌زدایی و حریم‌زدایی در البسه و ابنیه، برونزا بودن و بسط آنها از دولت به مردم در دوره پهلوی بوده است که شواهد این مدعا در این پژوهش ارائه شده است.

واژه های کلیدی: البسه‌ی بانوان، ابنیه‌ی مسکونی، لیبرالیسم، حریم‌زدایی، حجاب‌زدایی.

۱. مقدمه

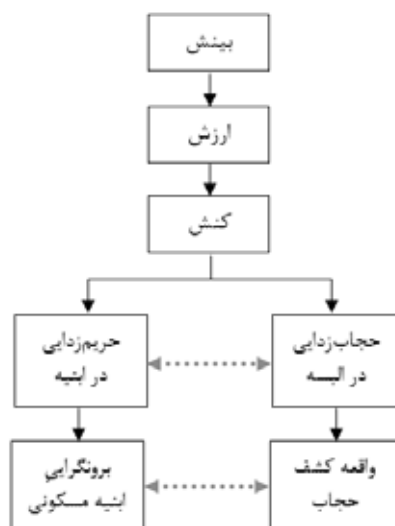
پادشاهی خاندان پهلوی در ایران با تحولات و دگرگونی های فرهنگی و اجتماعی فراوانی همراه بود. رضا شاه پهلوی که با کودتای ۱۲۹۹ به قدرت رسیده بود؛ تنها راه حل ارتقا و پیشرفت کشور را در تبعیت از مبانی مدرنیسم و تقلید بی چون و چرا از کشورهای غربی می دید و بر این موضوع به حدی اصرار داشت که به گواهی تاریخ، در جلسه رسمی هیأت دولت در اوایل خرداد ۱۳۱۴ چنین بیان داشت: «ما باید صورتاً و سنتاً غربی شویم» (صدر ۱۳۶۴، ۲۹۱).

با پیگیری این سیاست، ایران در بسیاری از جنبه های فرهنگی، اجتماعی و کالبدی دچار تحولاتی گسترده شد. به دنبال این تحولات، در عرصه معماری ابنیه مسکونی و طی رویکردی حریمزدا، خانه های درونگرای دوره ی قاجار با حیاط مرکزی و هستی ورودی و ایوان های روبه حیاط، تبدیل شد به آپارتمان های ردیفی برونگرا و با مساحت کم و پنجره ها و ایوان های رو به خیابان؛ دقیقاً مشابه آنچه در کشورهای غربی ساخته می شد. مشابه همین نوع تحول در عرصه ی حجاب و البسه ی بانوان نیز اتفاق افتاد و بانوان ایرانی که تا پیش از این با چادر و پوشش شرعی در معابر حاضر می شدند؛ طی رویکردی حجابزدا و غرب گرایانه، برای حضور در محافل عمومی مجبور به کنار نهادن حجاب می شدند. در این پژوهش سعی می شود با روش تفسیری تاریخی و با تطبیق این دو تحول (حریمزدایی در ابنیه و

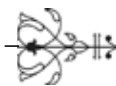
حجابزدایی در البسه) به تحلیل تأثیر مبانی تمدن معاصر غرب بر آنها پرداخته شود.

۲. چارچوب نظری

اگر هر مصداق کالبدی در عرصه معماری و شهرسازی، نتیجه ی نوعی کنش تلقی شود؛ آنگاه بایستی توجه نمود که منشأ هر کنش (یا وجوه سخت تمدن)، ارزش و قبل از آن، بینش (یا وجوه نرم تمدن) است؛ یعنی ارزش و قبل از آن، بینش کنشگر موجب می شود که در هنگام عمل، چیزی را برگزیند (رئسی ۱۳۹۵، ۶۴). بنابراین، آنچه شکل کنش را می سازد و به افعال انسان جهت می دهد؛ در حقیقت، ارزش هایی است که آنها را پذیرفته است و منشأ این ارزش ها نیز بینش های وی است که زیربنای آنها را می سازد (مصباح یزدی ۱۳۷۵، ۲۵-۲۰). بر این اساس، بینش معنوی، منتج به ارزش ها و کنش های معنوی خواهد شد و بالعکس، بینش مادی نیز نتیجه ای جز کنش های غیر معنوی نخواهد داشت. طی این پژوهش مشخص خواهد شد که مسائل حجابزدایی و حریمزدایی در دو کنش البسه (به طور خاص البسه بانوان) و ابنیه (به طور خاص ابنیه مسکونی)، از سنخ کنش هایی هستند که ریشه ی بینشی مشابهی دارند و مبانی این بینش، برگرفته از برخی مکاتب فکری سده های اخیر در جغرافیای تمدن غرب می باشد. چارچوب نظری این بحث در نمودار ۱ ارائه شده است.



نمودار ۱. ریشه های ارزشی و بینشی مشترک دو موضوع حجابزدایی و حریمزدایی در البسه و ابنیه (ماخذ: نگارندگان)



۳. بحث و تحلیل

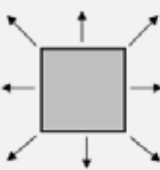

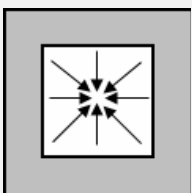

و گل دیده نمی‌شود؛ ولی در داخل دنیایی از پر کاری و زیبایی دارد- درونگرا نامیده‌اند. از مهم‌ترین ویژگی‌های خانه‌های درونگرا، نداشتن ارتباط بصری مستقیم فضاهای داخل با فضاهای شهری بیرون خود است که برای این امر، فضاهای مختلف خانه را حول عنصری مانند حیاط مرکزی و یا صفه‌های سرپوشیده سازماندهی می‌کردند به نحوی که روزنها و بازشوها به طرف این عناصر باز شوند و نه به سمت معابر و فضاهای شهری بیرون از خانه (معماریان ۱۳۸۴، ۱۲).

از مهم‌ترین علل تکوین اصل درونگرایی در ابنیه‌ی مسکونی، ارتباط مؤثر آن با حفظ حریم خانواده است که این مهم، برای ایرانیان همواره اولویت داشته است. از آنجایی که ابنیه‌ی مسکونی درونگرا در مقایسه با برونگرا به طرز محسوسی حریم خانواده (به‌ویژه حریم بصری) را حفظ می‌کنند؛ الگوی غالب در ابنیه‌ی مسکونی معماری اسلامی ایرانی، این نوع الگو بوده است. در اغلب نمونه‌های معاصر، کاربست الگوی برونگرا سبب شده است که فضای درون واحدهای مسکونی، حداکثر ارتباط بصری با فضای عمومی بیرون را داشته باشند که این امر، سبب تضعیف حریم و قابلیت پوشاندگی مسکن شده است. در حالی که در نمونه‌های سنتی، کاربست الگوی درونگرا غالباً سبب افزایش قابلیت پوشاندگی مسکن و بالتبع، تأمین حریم حداکثری برای کاربران مسکن می‌شده است (جدول ۱).

اصل درونگرایی یکی از اصول معماری اسلامی ایرانی بوده است که در ساماندهی اندام‌های مختلف ابنیه، به ویژه در ابنیه‌ی مسکونی مورد توجه بسیار بوده است. این امر برگرفته از اهمیت زندگی خانوادگی و حرمت آن و نیز عزت نفس ایرانیان بوده است که منجر به شکل‌گیری الگوهای درونگرا در معماری این مرز و بوم شده است. معماران ایرانی با سازماندهی اندام‌های یک ساختمان در گرداگرد یک یا چند میانسرا، ساختمان را از جهان بیرون جدا می‌کردند و تنها با یک هشتی این دو را به یکدیگر پیوند می‌دادند (پیرنیا ۱۳۸۳، ۳۵).

در مباحث معمارانه، واژه‌ی درونگرایی به منزله‌ی توجه هرچه بیشتر به درون فضا و سادگی و بی‌آلایشی در بیرون توصیف شده است؛ به طوری که این تفکر در طراحی و ساخت بناها در قالب استفاده از آرایه‌های فاخر و زیبا در بخش داخلی خانه در مقابل جلوه ساده و بدون تزئین بیرون آن نمود یافته است. دین اسلام نیز با تأکید بر موضوع محرمیت و حریم خانواده در خانه‌های مسلمانان، آن را مایه‌ی آرامش فرد تبیین می‌کند (نقره‌کار ۱۳۸۷، ۵۰۲). لذا نپرداختن به ظاهر و تأکید بر درون و حالات درونی به جای بیرون، از مهم‌ترین اصول معماری این سرزمین بوده است؛ تا جایی که معماری ایرانی را -از این نظر که در نمای بیرون آن و درگذرهای پر پیچ و خم، چیزی جز خشت

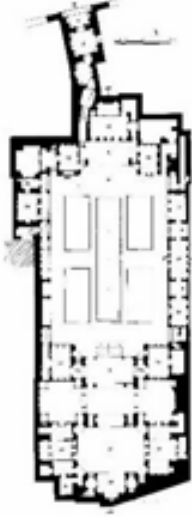
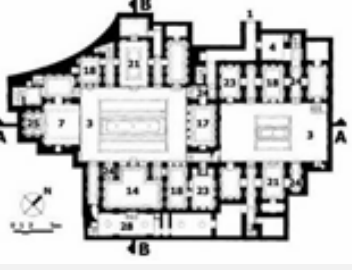

جدول ۱. مقایسه‌ی تطبیقی قابلیت پوشاندگی الگوهای درونگرا و برونگرا در ابنیه‌ی مسکونی برونگرای معاصر و درونگرای سنتی (مأخذ: رئیسی ۱۳۹۷، ۲۱۰)

نوع الگو در معماری ابنیه مسکونی	کیفیت کلی پوشاندگی الگو	نمونه عینی	نتیجه
الگوی برونگرا			پوشاندگی حداقلی
الگوی درونگرا			پوشاندگی حداکثری



با توجه به توضیحات فوق، مقایسه‌ی الگوهای برون‌گرا و درون‌گرا در ابنیه‌ی مسکونی مختلف، بیانگر این مهم است که الگوهای درون‌گرا همواره بیش از الگوهای برون‌گرا

جدول ۲. مقایسه‌ی تطبیقی کیفیت پوشاندگی و حفظ حریم در پلان‌های چند نمونه از ابنیه مسکونی درون‌گرا و برون‌گرا (مأخذ: رئیسی، ۱۳۹۷، ۲۱۳-۲۱۲)

نام و موقعیت خانه	پلان	نوع الگو	مجموع طول بدنه‌های بیرونی خانه	مجموع طول بازشوها در جبهه‌های بیرونی خانه	درصد پوشاندگی خانه
خانه بروجدی‌ها در کاشان		درون‌گرا	۲۶۴ متر	۴ متر	۹۹,۹۸%
خانه گرامی در یزد		درون‌گرا	۱۳۹ متر	۱,۲ متر	۹۹,۹۹%
خانه چهل‌گره در تهران		برون‌گرا	۵۸ (مجموع بدنه‌های بیرونی دو واحد مسکونی در هر طبقه)	۲۴,۳ (مجموع طول بازشوها و بالکن‌های دو واحد مسکونی در هر طبقه)	۵۸,۲%

۸۲,۱%	۹,۷ متر (مجموع طول بازشوها و بالکن‌های دو واحد مسکونی در هر طبقه)	۵۴ متر (مجموع بدنه‌های بیرونی دو واحد مسکونی در هر طبقه)	برون‌گرا		ساختمان مسکونی ویلا در تهران
-------	----------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------	----------	------------------------------------------------------------------------------------	---------------------------------

نماید. امام صادق(ع) در این خصوص چنین می‌فرماید: «سه چیز است که در آنها برای مؤمن آسایش (راحتی) است؛ یکی خانه‌ی وسیع که ساتر امور خصوصی و نقصان و بدی حالش از چشم مردم باشد»^۱ (شیخ حرّ عاملی ۱۴۰۹ق، جلد ۵، ۲۹۹).

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد طبق این روایت، وسعت منزل به تنهایی موضوعیت ندارد؛ بلکه وسعت منزل از آن جهت موضوعیت و مطلوبیت دارد که ارتباط مؤثری با ویژگی پوشاندگی و ایجاد حریم برای امور شخصی ساکنین منزل دارد. در معماری سنتی ایران کاملاً به این مهم توجه می‌شده است و اغلب ابنیه‌ی مسکونی به نحوی ساخته می‌شدند که وسعت و توسعه‌ی افقی آنها، ضمن ایجاد حریم، امکان مستور کردن امور خصوصی ساکنین خانه از چشم دیگران را کاملاً میسر می‌ساخت (تصویر ۱).



همان‌طور که اشاره شد؛ موضوع حفظ حریم خانه و خانواده، علاوه بر سنت‌ها و فرهنگ ایرانی، در متون و منابع اسلامی نیز - که همواره نزد ایرانیان مورد توجه بوده است - مورد تأکید قرار گرفته است و این مهم، سبب اهمیت دوچندان این موضوع نزد ایرانیان پس از اسلام شده است. از جمله‌ی این منابع دینی، سوره نحل است که طی این سوره، قابلیت القاء آرامش از ویژگی‌های مسکن مطلوب معرفی شده است: «وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَ خَدَّوْنًا» خداوند از خانه‌هایتان برایتان آرامش قرار داد (نحل: ۸۰). با مراجعه به متن برخی روایات چنین برداشت می‌شود که از بایسته‌های تأمین این آرامش، پوشاندگی و ساتر بودن منزل جهت ایجاد حریم و بالتبع، وسعت آن است؛ زیرا این وسعت می‌تواند شرایط لازم برای ایجاد حریم و ساتر شدن امور شخصی و خصوصی ساکنین را به نحو بهتری تأمین

تصویر ۱. بافت تاریخی ابرکوه، ساختار کالبدی ابنیه‌ی مسکونی ضمن ایجاد امکان تفکیک اندرونی از بیرونی و ایجاد حریم، قابلیت پوشاندگی مسکن و درونگرایی را کاملاً به نمایش گذاشته است به نحوی که هیچ بازشویی در بدنه‌های بیرونی منازل مشاهده نمی‌شود. (مأخذ: نگارندگان)

است) و از سوی دیگر در خصوص ابنیه نیز، تحولات ابنیه مسکونی دنبال خواهد شد؛ زیرا مسئله‌ی حریم در این نوع ابنیه (که بستر تکوین خانواده و شکل‌گیری روابط خصوصی بوده است) در مقایسه با سایر ابنیه، موضوعیت بیشتری داشته است.

۳-۱. تدقیق در البسه و ابنیه‌ی قبل از سلسله‌ی

پهلوی

۳-۱-۱. البسه‌ی بانوان قبل از پهلوی

طبق شواهد و مستندات تاریخی، پوشش و البسه بانوان ایرانی تا پایان دوره‌ی قاجار از گرایش کلی مستور کردن سرچشمه می-گرفت (معتضد و کسری ۱۳۷۸، ۲۱۶). البته ریشه‌ی تغییر پوشش زنان ایرانی را می‌توان در زمان ناصرالدین شاه قاجار و سفر او به فرنگ پنداشت. در این دوران به مرور، پوشش زنان در درون خانه تغییر کرد؛ اما این تغییر پوشش هنوز به هیچ وجه به خارج از ابنیه مسکونی کشیده نشده بود. شیوه و شکل لباس زنان (در درون خانه) و در دوران قاجار از لحاظ تاریخی به سه دوره مجزا قابل تقسیم است؛ دوره‌ی اول، از ابتدای دوران قاجار تا مسافرت ناصرالدین شاه به فرنگ؛ دوره‌ی دوم، از مسافرت ناصرالدین شاه تا پایان عصر ناصری؛ و دوره‌ی سوم، از ابتدای دوره‌ی مظفری تا پایان دوره‌ی قاجار (همان).

لباس دوران اول شامل پیراهن کوتاه، بدون یقه و جلو باز بود که با دکمه‌ای زرین و مروارید نشان به گردن بسته می‌شد. این پیراهن با شلواری گشاد مانند شلوار مردان و نیم‌تنه‌ای کوتاه تکمیل می‌گشت. بر روی آن «چاپکین» که عبارت بود از پیراهن بدون یقه‌ی جلو بازی که در زیر کمر از چپ به راست دکمه می‌خورد؛ پوشیده می‌شد. برای پوشش سر، پارچه‌ای به شکل سه گوش به کار می‌بردند و به آن چارقد می‌گفتند. پس از سفر ناصرالدین شاه به فرنگ، شاه که شیفته لباس بالرین‌های پطرزبورگ شده بود؛ آن را لباس زنان اندرون شاهی قرار داد و چون مد لباس اندرون شاهی ابتدا به شاهزاده‌خانم‌ها و سپس به زنان اعیان شهری و بالاخره بین طبقات مختلف شهرنشین رواج می‌یافت؛ شکل البسه بانوان این دوران در داخل ابنیه‌ی مسکونی به تدریج تغییر کرد و این آغاز پیروی از مد فرنگی در لباس

در متون دینی، توجه به این حریم علاوه بر الگوی کلی ابنیه مسکونی، برای برخی ریزفضاهای این ابنیه مورد تأکید مضاعف قرار گرفته است. برای مثال، طبق این روایت منقول از پیامبر اکرم(ص) چنین استنباط می‌شود که اتاق‌های خواب به ویژه محل خواب دختران و بانوان خانه نباید رو به معابر عمومی باشد: «زنان را در اتاق‌های رو به معبر جای ندهید»^۲ (شیخ حرّ عاملی ۱۴۰۹ق، جلد ۲۰، ۲۹۹). لذا؛ گرچه در فرهنگ ایرانی اسلامی، توجه به حریم اهمیت داشته است؛ اما این اهمیت برای بانوان، مضاعف بوده است. به همین دلیل تا قبل از ورود تمدن مدرن و ظهور تبعات آن در ایران، توجه به حریم، به همان ترتیبی که در ابنیه (به ویژه ابنیه مسکونی) مورد توجه خاص ایرانیان بوده است؛ در البسه (به ویژه البسه بانوان) مورد تأکید مضاعف آنها بوده است و لباس‌های مورد استفاده آنها کاملاً پوشاننده و متناسب با حفظ حریم و عفاف بانوان بوده است.

در ادامه، طی بحثی مبسوط اثبات می‌شود که بعد از ظهور مدرنیسم در ایران، موضوع توجه به حریم به طرز محسوسی هم در ابنیه و هم در البسه به طور روزافزونی تضعیف شد. اگر با اندکی اغماض مفروض شود که به لحاظ زمانی، بیشترین هجمه-ی مدرنیسم و شاخصه‌های فرهنگی آن به ایران در عصر پهلوی اتفاق افتاده است؛ آنگاه می‌توان با پی‌جویی مسئله‌ی تضعیف حریم در البسه و ابنیه در دوره‌های قبل و بعد از ظهور سلسله‌ی پهلوی، چگونگی حجاب‌زدایی و حریم‌زدایی در این دو موضوع و اشتراکات مبنایی این دوگانه را دریافت. البته از آنجایی که پرداختن عمیق به همه‌ی انواع البسه و ابنیه در یک پژوهش محدود میسر نیست و از آنجایی که در میان البسه و ابنیه مختلف، مسئله‌ی حریم در فرهنگ اسلامی ایرانی در دو موضوع البسه بانوان و ابنیه مسکونی، اهمیت بیشتری دارد؛ این مسئله در بستر این دو مهم پی‌جویی خواهد شد. لذا؛ جهت ملموس‌تر شدن بحث، در تطبیق تحولات حجاب و حریم در البسه و ابنیه، از یک سو بر سیر تحولات البسه بانوان تمرکز خواهد شد (گرچه شواهد این موضوع در خصوص تحولات البسه آقایان نیز در پژوهشی دیگر قابل بحث

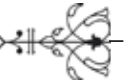
غیرممکن است ... هر زن، چادری سیاه یا نیلی رنگ، که همه‌ی اندام او را می‌پوشاند بر سر می‌اندازد و صورت را زیر روبندی مخفی می‌کند و از سوراخ‌های آن، که بی‌شبهت به غربال کوچکی نیست می‌بیند» (دلریش ۱۳۷۵، ۸۰). البته به‌رغم توجه ویژه به پوشاننده بودن لباس زنان، آنها در اجتماع در موارد لازم حضور داشتند؛ لیکن مشارکت اجتماعی زنان در صحنه‌های اجتماعی، همواره با پوشش‌های سنتی و ملاحظات اخلاقی، مبنی بر تفکیک زنان از مردان همراه بوده است. در این دوره، حضور بانوان در اجتماع عموماً شامل مواردی نظیر حضور در بازار، شرکت در مراسم عزاداری، زیارت مقبره امامزادگان، تجمع در هنگام استقبال از ورود رجال سیاسی، مشارکت در امور خیریه و همچنین علم‌آموزی و تحصیل در مدارس بود (همان، ۸۰-۷۰).

بود (معتضد و کسری همان، ۲۱۶-۲۱۵). اما این پیروی از مد فرنگی منحصرأ در درون خانه‌ها بود و تغییری در پوشش زنان در بیرون از خانه رخ نداد (تصاویر ۲ و ۳). با استفاده از نقاشی‌های به جا مانده از سیاحانی که به ایران سفر کرده‌اند؛ چنین برمی‌آید که بانوان در دوره‌ی قاجار در بیرون از منزل از چادر به همراه روبندی پوشاننده استفاده می‌کردند که صورتشان را کاملاً مستور می‌کرد و بلندای آن تا زانو می‌رسید. این روبند در جلوی چشم، متشکل از پارچه‌ای توری مانند بود که تودوزی شده بود و امکان دیدن محیط بیرون را برای بانوان میسر می‌کرد (رجبی ۱۳۸۴، ۴۲). دکتر فووریه طبیب مخصوص ناصرالدین شاه بر رعایت پوشش کامل زنان در خارج از اندرون صحنه می‌گذارد: «در کوچه، لباس همه زنان یکی است تا آنجا که شناختن ایشان حتی برای شوهرانشان



تصاویر ۲ و ۳. تصویر راست بیانگر پوشش زن ایرانی در اواسط دوران قاجاریه در بیرون خانه با مقنعه و چادر چاقچور است؛ و تصویر چپ بیانگر پوشش زن ایرانی در درون خانه در اواخر دوران قاجاریه است. (مأخذ: معتضد و کسری ۱۳۷۸، ۱۹۲ و ۱۷۲)

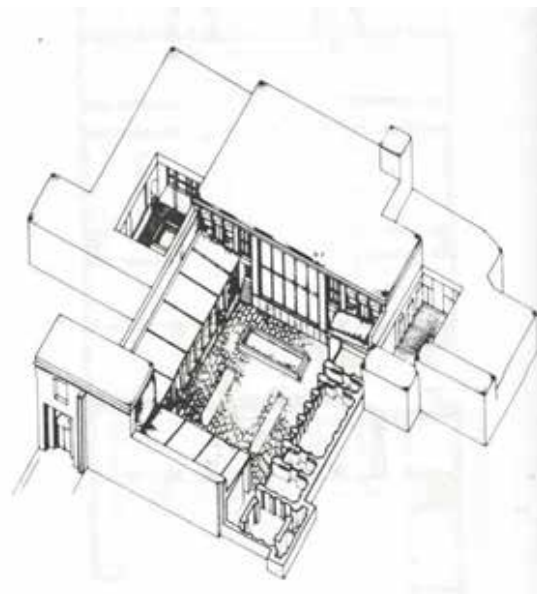
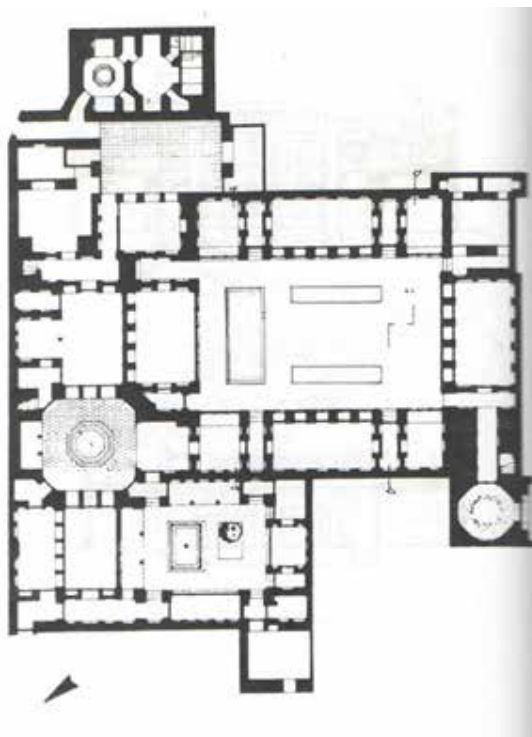




۳-۱-۲. ابنیه‌ی مسکونی قبل از پهلوی

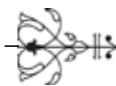
اکثریت قریب به اتفاق ابنیه مسکونی ساخته شده تا قبل از سال ۱۳۰۰ شمسی و شروع سلسله‌ی پهلوی، چه کوچک و چه بزرگ، حیاط مرکزی دارند و چیدمان جزءفضاها پیرامون حیاطها از نظام فضایی مشخصی پیروی می‌کند. حیاط در همه‌ی این خانه‌ها مرکزیت دارد و همانند قلب خانه عمل می‌کند. فضاهای مختلف خانه اعم از اتاق، ایوان و راهرو، مهتابی، شناسیل، صفه و سکو با آرایشی تعریف شده در اطراف حیاط مستقر شده‌است. اغلب فضاها به صورت غیرمستقیم (با بهره‌گیری از عناصری نظیر ایوان و رواق و غیره) با حیاط مرتبط هستند. در حیاط، حضور آب، آسمان، آفتاب، باد، شب و مهتاب و رابطه‌ی معمارانه با آنها کاملاً محسوس است. خانه‌ها دارای شخصیت و جلوه‌ی فضایی مستقل هستند و اغلب به طور مستقیم با فضاها و حیاط مرتبط نمی‌باشند؛ بلکه به وسیله یک یا چند فضای واسطه‌ی دیگر با حیاط ارتباط برقرار می‌کنند. اینکه پس از ورود به خانه یکباره امکان مشاهده تمامی فضای خانه مقدور نیست در تمامی

نمونه‌ها همانند یک ضابطه و مقررات ساختمانی رعایت شده بود (حائری مازندرانی ۱۳۸۸، ۱۱). با بررسی خانه‌های تاریخی و مشاهده‌ی معماری آنها اصل درونگرایی به طور مشخصی قابل درک است. همه‌ی این خانه‌ها دارای حیاط بزرگی هستند که از ایوان‌های منتهی به آنها به اتاق‌ها دسترسی پیدا می‌کنند و بسیاری از آنها برای جدا کردن اندرونی یا بخش خصوصی خانه از بیرونی یا بخش عمومی خانه، بیش از یک حیاط دارند (تصاویر ۴ و ۵). نور و تهویه‌ی اتاق‌های خانه تنها از طریق فضای باز حیاط تأمین می‌شود و هیچگونه روزن یا پنجره رو به معابر در آنها مشاهده نمی‌شود. تنها عنصر ارتباط‌دهنده‌ی خانه با بیرون درب ورودی آن است. بعد از ورود به خانه، هشتی تقسیم‌کننده وجود دارد که آن هم به وسیله راهرویی به حیاط خانه منتهی می‌شود و هیچگونه اشرافی به داخل اتاق‌ها ندارد. این پوشیدگی و درونگرایی در ساماندهی شهری نیز رعایت می‌شد و در خیابان‌های شهر نیز قابل لمس بود. تا پیش از سال ۱۳۰۰ [۱] ورودی یک خانه تاریخی در یک



تصاویر ۴ و ۵. سه‌بعدی و پلان خانه فروغ‌الملک (مربوط به اواخر قاجار در شیراز)، رعایت حریم و اصل درونگرایی با استفاده از حیاط‌های متعدد برای تفکیک اندرونی از بیرونی در این طرح کاملاً مشهود است (مأخذ: معماریان، ۱۳۸۴، ۲۱۹ و ۲۲۵)





این وضعیت تا اواخر دوره‌ی قاجار ادامه داشت و در طول سال‌های طولانی سلسله‌ی قاجاریه، معماران هنوز به اصول کهن معماری ایران مثل درونگرایی و حفظ محرمیت التزام داشتند (تصویر ۶). اما از اواخر این دوره به تدریج برخی تحولات ابنیه‌ی مسکونی در تزئینات داخل و خارج خانه و نمای بیرونی نمایان شد (گرچه این تحولات به تغییر در سازمان‌دهی فضایی و تضعیف حریم در ابنیه‌ی مسکونی منتج نشد). لذا در تمام دورانی که ساختمان‌های حکومتی و اعیانی با معماری غربی و روسی ترکیب می‌شد؛ ابنیه‌ی مسکونی متوسط در سطح شهر و به خصوص در محلات قدیمی تا حدودی هم‌شکل و هم‌آهنگ با ویژگی‌ها و خصوصیات معماری سنتی بنا می‌شد (مقتدر ۱۳۷۲، ۲۶۲) و در طی این دوره، تغییر در خانه‌ها منحصر به تغییر تدریجی در رنگ و لعاب دیوارها و نقوش تزئینی شد و نه تغییر در ساختار فضایی و اصل درونگرایی؛ زیرا رعایت حریم و حرمت در معماری ابنیه‌ی مسکونی به معنای دقیق بازتاب حرمت اجتماعی در ساختار فرهنگی بود (کیانی ۱۳۸۶، ۲۴۲).

کوچه‌ی کم‌عرض و عموماً بن‌بست قرار داشت. در مواردی که درب‌های چند خانه‌ی همسایه در یک کوچه بن‌بست قرار داشت؛ با نصب یک دروازه‌ی اقتصادی و تبدیل آن به یک فضای نیمه‌خصوصی به نام دربند، قلمرویی خصوصی‌تر برای رفت و آمد عموم به خانه‌های واقع در آن بن‌بست فراهم می‌شد. برای رفتن از خانه به بیرون، می‌بایست ابتدا وارد دربند می‌شدند. هر دربند به معابر کم‌رفت و آمدی به نام کوی (قلمرو نیمه‌خصوصی) منتهی می‌شد و کوی‌ها در تقاطع خود به گذرها (قلمرو عمومی) می‌رسیدند. پس از گذرها، معابر به تدریج گسترده‌تر شده و فعالیت‌های بیشتری در آن رخ می‌داد و به راسته‌های تخصصی و بازارچه‌ها و مراکز تجمع و توزیع کالاها متصل می‌شدند. به این ترتیب، توجه به حریم هم در درون ابنیه‌ی مسکونی و هم در بیرون آنها و در سلسله‌مراتب معابر شهری کاملاً رعایت می‌شد و لازمه‌ی رسیدن به مرکز یا مراکز شهری (قلمرو عمومی) شامل مراکز عبادی، تجاری و حکومتی، گذشتن از دربند و کوی و گذر بود (حائری مازندرانی ۱۳۸۸، ۲۹).



تصویر ۶. بافت مسکونی شهر تبریز در اواخر دوره‌ی قاجار، رعایت حریم و درونگرایی ابنیه‌ی مسکونی در این تصویر مشهود است (مأخذ: بانی‌مسعود ۱۳۹۴، ۱۷۵).



آن شده بود (تصویر ۷). بعد از این طرح، حرمسراهای درون‌گرای گذشته‌ی پادشاهان ایرانی جایش را به کاخ‌های بلندمرتبه و کاملاً برون‌گرا و پرزرق‌وبرق در نما و دارای بالکن‌های رو به خیابان داد؛ اما نکته‌ی مهم آن است که هنوز در این دوره، این وضعیت برای عموم مردم قابل هضم نبود و به امری عادی تبدیل نگشته بود و لذا ابنیه‌ی مسکونی برای عموم مردم هنوز با همان الگوی درون‌گرایی قبلی ساخته می‌شد (کیانی ۱۳۸۶، ۱۷۸).

در عین حال، شروع تغییر در ابنیه این دوره را بایستی در الگوگیری ساختمان‌های دولتی و کاخ‌های پادشاهان از بناهای غربی دنبال نمود. یکی از ساختمان‌های مهم در زمان حکومت ناصرالدین شاه، ساختمانی پنج طبقه معروف به شمس‌العماره است که به دستور ناصرالدین شاه در سال ۱۲۴۴ خورشیدی ساخته شد و چهل ذرع ارتفاع این عمارت است. شمس‌العماره جزء اولین ساختمان‌هایی بود که در آن الگوی سنتی خانه‌های ایرانی به کنار رفته بود و الگوی کاخ‌ها و بناهای غربی جایگزین



تصویر ۷. عمارت شمس‌العماره به عنوان پیش‌قراول توسعه‌ی حریم‌زدا و برون‌گرا در معماری معاصر ایران، الگوپذیری این عمارت از نمونه‌های اروپایی که در مواردی همچون برج ساعت و کلاه فرنگی نمود پیدا کرده است؛ در این تصویر مشهود است (مأخذ: <http://www.golestanpalace.ir>)

کاخ تقریباً انحصاراً به زنان اندرونی اختصاص یافت (بانی مسعود ۱۳۹۴، ۹۳).

۳-۲. **تدقیق در البسه و ابنیه‌ی پس از ظهور سلسله‌ی پهلوی**

۳-۲-۱. **البسه‌ی بانوان پس از پهلوی**

پس از قاجاریه، رضا شاه پهلوی به سلطنت رسید که دوران زمامداری وی با تحولات بسیار زیاد در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و کالبدی همراه بود. عمده‌ی این تغییرات، حاصل شیفتگی زمامداران کشور به فرهنگ و تمدن غرب بود و از

در اثبات این مدعا می‌توان به این موضوع استناد نمود که به رغم برنامه‌های اولیه‌ی ناصرالدین شاه برای این عمارت، ساختمان شمس‌العماره خیلی کم مورد استفاده‌ی وی قرار گرفت و حتی اعقابش هم نتوانستند چندان از آن استفاده نمایند. علت آن بود که چند ماه پس از ساخته شدن این کاخ، سروصدای همسایگان بلند شد که حریم ابنیه‌ی مسکونی آنها مخدوش شده است و اندرون خانه‌های اطراف قصر از طبقات بالای آن دیده می‌شود. روحانیان قضیه را به شاه اطلاع دادند و او از آن پس، از رفتن به طبقات بالای آن خودداری کرد و



آنجایی که لیبرالیسم، از مهم‌ترین شاخصه‌های فرهنگی غرب است نمی‌توان نقش این مکتب فکری را در تحولات این دوره‌ی ایران نادیده پنداشت. لیبرالیسم^۲ در معنای لغوی به معنای آزادی‌خواهی است که از واژه لیبرتی^۴ به معنای آزادی گرفته شده است و به مجموعه‌ی وسیعی از ایده‌هایی اطلاق می‌شود که آزادی شخصی را مهم‌ترین هدف می‌داند. به رغم تعاریف و معانی مختلف لیبرالیسم، هیچ یک از این تعاریف هرگز از اصل لاتین واژه لیبر^۵ به معنی آزاد، جدا نبوده است. به نحوی که آزادی مبتنی بر فردگرایی و تکیه بر عقل فردی و آزاد از وحی، از عناصر اصلی تفکر لیبرالیسم در حوزه‌ی فرهنگ است. به دنبال این تلقی از مفهوم آزادی و و نفوذ لیبرالیسم فرهنگی غرب در ایران، تأثیرات حاصل از این نفوذ در وجوه مختلف فرهنگی و اجتماعی دوره‌ی پهلوی نمایان شد که محوریت بخش مهمی از این تغییرات، آزادی زنان به سبک غربی بود.

آزادسازی نسبی زنان ایرانی که از مهم‌ترین تغییرات فرهنگی دوره‌ی رضاشاه بود؛ پس از دیدار وی از ترکیه (که در آنجا نیز آتاتورک به اقدام مشابهی دست زده بود) تسریع شد. مستشارالدوله سفیر کبیر ایران در ترکیه، تأثیرپذیری رضاخان از بی‌حجابی و آزادی زنان ترکیه در پوشش را چنین توضیح می‌دهد: «شبی پس از پایان ضیافت رسمی باشکوه وقتی رضاشاه به عمارت حزب خلق که محل اقامت او در آنکارا بود مراجعت کرد تا پاسی از شب نخوابید و در تالار بزرگ خانه ملت قدم می‌زد و فکر می‌کرد و گاه‌گاه بلند می‌گفت: عجب! عجب! وقتی چشمان شاه متوجه من شد که در گوشه‌ی تالار ایستاده بودم. فرمود: صادق، من تصور نمی‌کردم ترک‌ها تا این اندازه ترقی کرده و در اخذ تمدن اروپا جلو رفته باشند. حالا می‌بینم که ما خیلی عقب هستیم مخصوصاً در قسمت تربیت دختران و بانوان! فوراً باید با تمام قوا به پیشرفت سریع مردم مخصوصاً زنان اقدام کنیم» (مکی ۱۳۶۲، ۱۵۷).



تصویر ۸. رضاشاه در مراسم کشف حجاب (مأخذ: رئیسی ۱۳۹۷، ۳۰۷)

او مدتی پس از بازگشت به ایران در جلسه رسمی هیأت دولت در اوایل خرداد ۱۳۱۴ چنین بیان داشت: «باید شروع به رفع حجاب زن‌ها نمود و چون برای عامه مردم دفعتاً مشکل است اقدام کنند؛ شما وزرا و معاونین باید پیشقدم بشوید و هفته‌ای یک بار با خانم‌های خود در کلوپ ایران مجتمع شوید» (صدر ۱۳۶۴، ۲۹۱). او این دغدغه‌ی فکری خود را چند ماه بعد و در آذر ۱۳۱۴ به محمود جم رئیس‌الوزرا چنین بازگو می‌نماید: «نزدیک دو سال است که این موضوع - کشف حجاب - سخت

فکر مرا به خود مشغول داشته است؛ خصوصاً از وقتی که به ترکیه رفتم و زن‌های آنها را دیدم که «پیچه» و «حجاب» را دور انداخته و دوش به دوش مردهایشان در کارهای مملکت به آنها کمک می‌کنند؛ دیگر از هر چه زن چادری است بدم آمده است. اصلاً چادر و چاقچور دشمن ترقی و پیشرفت مردم است. درست حکم یک دمل را پیدا کرده که باید با احتیاط به آن بیشتر زد و از بینش برد» (صلاح ۱۳۸۴، ۱۱۸). سرانجام در ۱۷ دی ۱۳۱۴ رضاشاه با همسر و دختران کشف حجاب کرده‌ی



ما میله های زندان را شکستیم؛ حالا خود زندانی آزاد شده وظیفه دارد که برای خودش به جای قفس، خانه ی قشنگی بسازد» (صلاح ۱۳۸۴، ۱۴۰). به این ترتیب از این پس، بانوی ایرانی که تا پیش از این با پوشش و حجاب شرعی در معابر حاضر می شد مجبور بود برای حضور در محافل عمومی، به البسه ی غربی و فاقد پوشش و حجاب تن دهد (تصویر ۹).



تصویر ۹. مراسم جشن کشف حجاب در قم در اواسط سلطنت رضاشاه پهلوی
(مآخذ: پایگاه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران: <http://www.iichs.ir>)

خود، در مراسم جشن فارغ التحصیلی دختران دانشسرای مقدماتی حضور یافت و تصمیم خود برای اجبار بانوان به کشف حجاب را عملی نمود (تصویر ۸). همه ی مسئولان کشوری که در این جشن دعوت شده بودند؛ طبق یک برنامه ی از پیش طراحی شده با همسران بدون حجاب خود شرکت کردند. رضاشاه در سخنانی در این مجلس اظهار داشت: «باید خیاطها و کلاهدوزها را تشویق کرد که مدهای قشنگ به بازار بیاورند.

رفع حجاب مگر کسی می توانست آن حصار سیاه و غم انگیز را از گرد منزل مسکونی خود برداشته و از اتاق نشیمن پنجره های بر روی خیابان باز کند و یا بالکنی در جا و بنای خود احداث نماید؟ آن روزها همانگونه که زن در خانه محبوس و به مثابه یک نفر زندانی زندگی می کرد؛ ساختمان ها و باغ ها و سایر اماکن پایتخت ما هم در میان دیوارهای بلند محصور و مستور مانده؛ و باز چنانکه در چهره ی زن آن روز، جلوه تبسم و صفا دیده نمی شد؛ قیافه ی ساختمان ها نیز در پناه همین دیوارهای گلی سیاه و بعضاً سربه فلک کشیده، عبوس و غمگین به نظر می رسید» (بانی مسعود ۱۳۹۴، ۱۹۴). در این جملات، به وضوح، حجاب و حریم در دو موضوع ابنیه و البسه ی قبل از دوره ی پهلوی مورد نقادی قرار گرفته است و بر لزوم حریم زدایی از این دو تأکید شده است. این نوع نگرش، توسط چنین معمارانی، حاصل ترویج تفکر و فرهنگ

۳-۴. ابنیه مسکونی پس از پهلوی

پس از سلطنت رضاشاه پهلوی، مشابه همان فرآیندی که برای حجاب زدایی از البسه ی بانوان اتفاق افتاد؛ برای حریم زدایی از ابنیه نیز رخ داد. وارطان هوانسیان - که از شاخص ترین معماران این دوره است - جملات قابل تأملی را در خصوص تشبیه ابنیه و البسه به یکدیگر و لزوم مدرنیزاسیون و تداوم تغییر در این دو موضوع بیان می دارد: «کسانی که آن زمان (دوره قبل از سلسله ی پهلوی) را به یاد دارند؛ به خوبی می دانند که ساختمان های این شهر بزرگ (تهران) مانند طبقه نسوان (بانوان) که در زیر چادر سیاه مستور بودند؛ با دیوارهای بلند کاهگلی و یکنواخت محصور و جز با یک در چوبی آن هم به اشکال مختلف که در روی آنها کوبه های آهنی بدقواره ای نصب شده بود؛ وسیله ی ارتباط دیگری با دنیای خارج خود نداشتند. در آن عصر یعنی قبل از

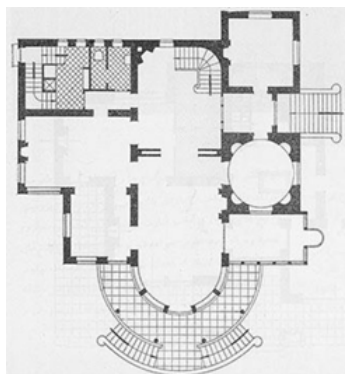


آزادی تأثیر پذیرفته است. لذا معماری مدرن، ظهور تمام عیار لیبراسیون فضایی است. لوکوربوزیه این اصول را تقریباً همزمان با اولین سال‌های سلسله پهلوی در ایران در طرح ویلا ساوا در پوآسی در شمال پاریس (۳۰-۱۹۲۸) به نمایش گذارد (قبادیان ۱۳۸۲، ۶۳). همان‌طور که در تصاویر این پروژه مشخص است مرز چندانی میان فضاهای مختلف (اعم از فضاهای خصوصی‌تر همچون آشپزخانه و فضاهای عمومی‌تر همچون پذیرایی) در این ویلا مشاهده نمی‌شود و حدود و مرزهای فضایی به مقدار قابل توجهی مستحیل شده است. نمای آن نیز کاملاً آزادانه و به دور از قواعد نماهای کلاسیک طراحی شده است (تصاویر ۱۰ و ۱۱).



تصاویر ۱۰ و ۱۱. ویلا ساوای لوکوربوزیه، مصداقی از تأثیر لیبراسیون فضایی بر معماری مسکن. در پلان و حجم این ویلا به وضوح آزادی در روابط فضایی و مستحیل شدن مرز میان فضاهای درون و بیرون قابل مشاهده است. (مأخذ: <http://corbusier.totalarch.com>)

طراحی و اجرا شد که در آنها نیز از بین رفتن مرز و حریم میان فضاهای مختلف به تبعیت از نمونه‌ها و الگوهای غربی، کاملاً مشهود بود (تصاویر ۱۲ و ۱۳).

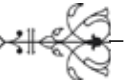


پس از طراحی این ویلا و چند پروژه مشابه دیگر در اروپا که در همه‌ی آنها تأثیرات لیبراسیون فضایی بر پلان و معماری آنها مشهود بود؛ به تدریج نمونه‌هایی از طرح‌های مشابه در ایران



تصاویر ۱۲ و ۱۳. طرح فروغی برای یک ویلا در تهران در دهه‌ی ۱۳۲۰ شمسی و تقریباً بیست سال پس از ساخت ویلا ساوا. مخدوش شدن مرز و حریم میان فضاها و تأکید بر حداکثر شفافیت فضایی در این طرح و نمونه‌های مشابه آن کاملاً مشهود است. (مأخذ: مجله آرشیکت ۱۳۲۷، (۶): ۲۱۹)





همان، ۲۳۴). لذا؛ پدیده‌ی برونگرایی نخست در بینش و اندیشه شکل گرفت و متعاقب آن، بنابر نیازهای خواسته یا ناخواسته، به کنش‌های کالبدی و معمارانه سرایت نمود. در این خصوص، نقش حضور گسترده‌ی شرکت‌ها و معماران اروپایی که از طرف دولت ایران دعوت شده بودند تا در بزم آمرانه رضاشاه، در ساخت «ایران نوین» همکاری نمایند؛ غیرقابل انکار است (بانی‌مسعود همان، ۲۰۳). به این ترتیب برونگرایی، شاخص‌ترین پدیده‌ی معماری در دوره‌ی پهلوی اول بود که زاییده‌ی تفکر لیبرال غرب و پیوندخورده با فرآیند تجددگرایانه بود (همان، ۲۳۵). به نحوی که در پایان این دوره، شهرهای سنتی با ساختمان‌های عمدتاً درونگرا تبدیل به شهرهایی با خیابان‌های مستقیم و ابنیه برونگرا شد (قبادیان ۱۳۹۴، ۱۳۵-۱۳۳).

البته برونگرایی و تجددمآبی در این دوره در همه‌ی انواع ابنیه به طور همزمان شروع نشد؛ زیرا فرهنگ لیبرال غرب، در دوره‌ی پهلوی ابتدا در سطوح حاکمیتی و دولتی رسوخ پیدا کرد و سپس زمامداران به تدریج سعی در انتقال این تفکر به توده‌های مردمی کردند. به همین ترتیب، تحول در ساختمان‌سازی در این دوره، قبل از آنکه در ابنیه مسکونی و شخصی رخ دهد؛ ابتدا در ساختمان‌های صنعتی، دولتی و حکومتی نمود پیدا کرد و سپس به تدریج منازل مسکونی را در بر گرفت؛ دقیقاً مشابه با موضوع کشف حجاب که ابتدا از خاندان سلطنتی و متنفذین دولتی شروع شد و سپس سعی در اجبار سایر بانوان به این موضوع شد. عمارت شهربانی تبریز (تصویر ۱۴)، ساختمان اداره پست تهران و مجموعه ساختمان‌های سعدآباد نمونه‌هایی از ساختمان‌های دولتی هستند که توسط معماران خارجی که وارد ایران شدند؛ ساخته شدند و در همه‌ی این بناها برونگرایی و نفوذ فرهنگ و معماری غرب به طور مشخصی قابل درک است.

به این ترتیب، دوره‌ی پهلوی اول تحت تأثیر فرهنگ لیبرال غرب، به جهت نگرش نوینی که در جهت توسعه و تغییرات بنیادین داشت با صراحت و اقتدار سبب ایجاد یک سبک و سیاق منحصر به فرد در معماری ابنیه مسکونی شد؛ و معماری این دوره - که بازگویی روشنی از اندیشه‌های آن دو دهه است - توانست در یک دوره‌ی بیست‌ساله دگرگونی‌های مهمی ایجاد نماید (کیانی ۱۳۸۶، ۴۵). دگرگونی‌هایی همچون تبدیل الگوی مسکن درونگرا به برونگرا، پدیدار شدن الگوی آشپزخانه‌های فاقد مرزبندی کالبدی با پذیرایی و فضاهای عمومی‌تر منزل، نماهای کاملاً شفاف و فاقد محرمیت کافی و غیره، همگی از مواردی هستند که می‌توان ردپای مبانی لیبرالیسم فضایی را در بروز و ظهور آنها مشاهده نمود؛ زیرا همه‌ی این موارد، به نوعی تجلی کالبدی مفهوم آزادی (البته آزادی با تعریف تمدن مدرن غرب) هستند که ترجمان کالبدی آن، در این نوع پدیدارها تجلی یافته است. به این ترتیب در این پدیدارها، از میان برداشتن حدود و مرزهای کالبدی و مخدوش کردن حریم‌های فضایی در آنها، مابه‌ازای کالبدی مفهوم آزادی پنداشته می‌شد.

باتوجه به توضیحات فوق چنین استنباط می‌شود که منشأ کنش‌های کالبدی دوران پهلوی (نظیر چرخش ساختمان‌ها از درون به بیرون و نفی اصل درونگرایی) را بایستی در تحولات بینشی این دوره جستجو نمود؛ زیرا همان‌طور که اشاره شد؛ مواردی همچون چرخش ابنیه به بیرون و آزادسازی نمای ساختمان‌ها دقیقاً همسو با مبانی بینشی لیبرالیسم و به طور خاص لیبرالیسم فضایی بود. به بیان دیگر، همان‌طور که برداشتن حجاب، محصول لیبرالیسم فرهنگی و نماد تجدد لیبرال در عرصه‌ی پوشش و البسه‌ی بانوان تلقی می‌شد؛ برونگرایی و برداشتن حریم ساختمان‌ها نیز به عنوان معادل و ترجمان کالبدی این موضوع و نشانه تجدد لیبرال در عرصه‌ی معماری و شهرسازی تلقی می‌شد. این مهم به نحوی بنیادین بر دیگر عناصر معماری ایران و پیدایش مواردی جدید در حوزه‌ی معماری و شهرسازی نظیر خیابان‌ها، کوچه‌ها، پنجره‌ها، نماها و به عبارتی فضاهای تازه و نوین تأثیر گذاشت (کیانی





تصاویر ۱۴ و ۱۵. عمارت شهربانی تبریز و هتل رامسر
(مأخذ: بانی مسعود ۱۳۹۴، ۱۹۹ و ۲۰۳)

در این دوره، کلیه ی ابنیه ی مسکونی که در اطراف خیابان ها و معابر شهر تهران قرار می گرفتند؛ می بایست حداقل دارای دوطبقه باشند و همه اتاق های این ساختمان ها می بایست به طرف خیابان پنجره داشته باشند (تصویر ۱۶). به نحوی که پنجره ها به همراه ایوان ها که تا پیش از این به درون حیاط باز می شدند؛ اینک با طرح هایی برونگرا - که ضوابط آن را نظام شهرسازی بلدیه اجرا و نظارت می کرد- به شکل پنجره های جدید و بعضاً همراه با بالکن به کوچه و خیابان روی گرداندند (کیانی ۱۳۸۶، ۲۴۲). برای مثال، می توان به خیابان لاله زار تهران اشاره نمود که به دستور رضاشاه، چهره ی آن دگرگون شد و مالکان دو طرف خیابان موظف شدند که حداقل نمای دو طبقه بسازند و در نمای جدید، به سوی خیابان پنجره تعبیه نمایند (همان، ۲۴۶).

هتل رامسر (تصویر ۱۵) و همچنین هتل دربند از اولین ابنیه ی اقامتی ساخته شده به سبک غربی و با الگوی برونگرا بودند که به ترتیب توسط رولان مارسل دوپرول و وارطان هوانسیان طراحی و ساخته شدند. از دیگر بناهای اقامتی و مسکونی ساخته شده توسط وارطان هوانسیان با الگوی برونگرا می توان به کاخ شهناز پهلوی، ویلا ی شخصی وارطان و مجتمع آپارتمانی مسکونی اشاره نمود. عنصر مشترکی که بین همه ی این بناها به چشم می خورد نماهای پرداخته شده و تزئین شده ی بیرون بنا و پنجره های بزرگ رو به بیرون است که نشان از برونگرایی بنا دارد.

در این دوره، نقش قدرت و پیگیری دولت در اجرای قوانین جدید شهرداری و ایجاد سیمای کاملاً جدید و متفاوت شهری بسیار چشمگیر است. برای مثال، بر اساس قوانین شهرداری

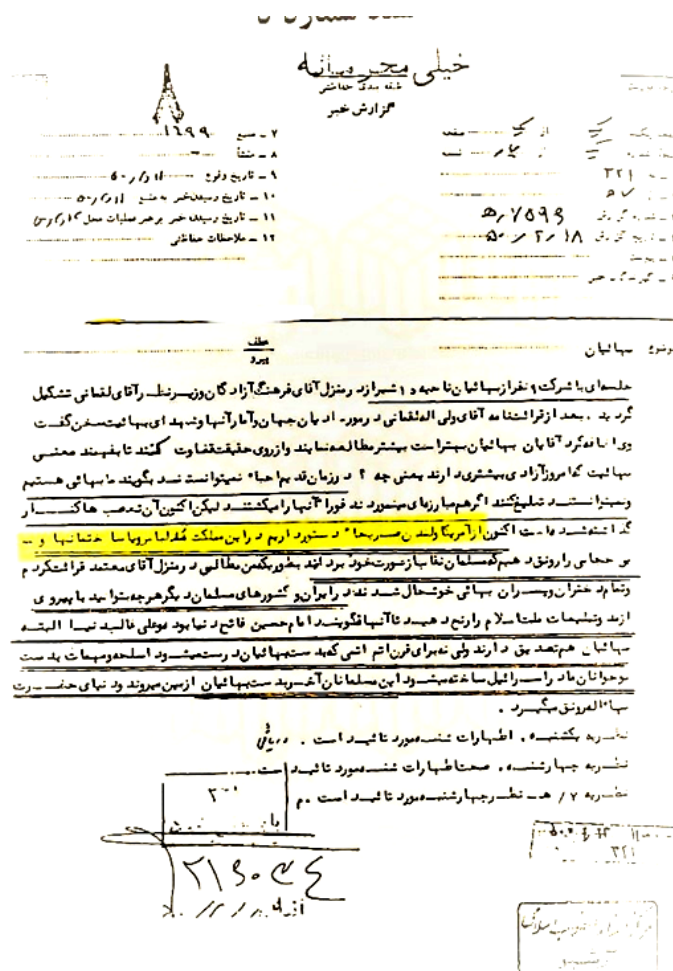


تصویر ۱۶. میدان مخبرالدوله تهران در دهه ی ۳۰ شمسی، تأثیر قوانین مصوب دوره ی پهلوی اول در خصوص الزام به احداث ابنیه ی برونگرا با پنجره های رو به معبر در مجاورت معابر تهران در این تصویر کاملاً مشهود است. (مأخذ: رئیسی ۱۳۹۷، ۸۹)

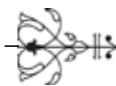


حتی در اسناد بسیار محرمانه‌ی ساواک در سال‌های پس از پهلوی اول، به ارتباط میان این دو موضوع و اصرار سیاستمداران غربی بر تداوم غرب‌گرایی و تجددمآبی در البسه و ابنیه‌ی ایرانی تصریح شده است. این عبارت در خط ششم و هفتم از سند بسیار محرمانه ساواک، به خوبی گویای این مدعا است: «اکنون از آمریکا و لندن صریحاً دستور داریم در این مملکت مد لباس و یا ساختمان‌ها و... و بی‌حجابی را رونق دهیم که مسلمانان نقاب از عورت خود بردارند» (تصویر ۱۷). ملاحظه می‌گردد که در این سند محرمانه، به صراحت به موضوع تأثیر نوع معماری و ساختمان‌سازی بر حجاب‌زدایی اشاره شده است.

بدین ترتیب، به دنبال سیاست‌ها و قوانین دولتی، اصول سنتی ابنیه درونگرا به تدریج رها شد؛ و در نتیجه، ابنیه‌ی مسکونی در کنار یکدیگر به صورت فشرده و با نمایی باز و برونگرا ردیف شدند (مقتدر ۱۳۷۲، ۲۶۸). همان‌طور که در موضوع البسه نیز همین اتفاق رخ داد و به دنبال سیاست‌ها و قوانین ابلاغی دولت، به تدریج عموم مردم و به‌ویژه بانوان مجبور به پذیرش تغییر در نوع پوشش و البسه شدند. سیاستمداران و کارگزاران حکومتی در دوره‌ی پهلوی با درک درست از ارتباط مؤثر بین این دو موضوع (یعنی حریم‌زدایی در ابنیه و حجاب‌زدایی در البسه) سعی در تداوم مفاهیم لیبرالیسم غربی در این دوگانه داشتند؛ تا جایی که



تصویر ۱۷. سند خیلی محبت‌آمیز ساواک درباره‌ی ارتباط معماری با موضوع حجاب بانوان و دستور کشورهای غربی برای تداوم حریم‌زدایی و حجاب‌زدایی در دوره‌ی پهلوی
 (مأخذ: پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی: <http://www.irdc.ir>)





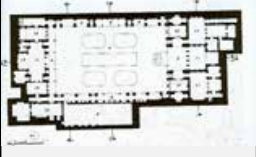


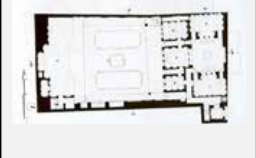
قوانینی را در راستای سیاست کشف حجاب و حجاب زدایی در البسه بانوان ابلاغ کردند؛ برای ابنیه‌ی مسکونی نیز به وضع قوانین مشابهی اقدام نمودند که نتیجه‌ی آن، همسویی با فرهنگ لیبرال غرب و حریم‌زدایی در ابنیه‌ی مسکونی بود. طبق مطالعات تطبیقی تحولات ایجاد شده در البسه و ابنیه (به‌طور خاص البسه بانوان و ابنیه مسکونی)، و در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، چنین استنباط می‌شود که ارتباط معناداری میان تغییرات ایجاد شده در این دو موضوع قابل پی‌جویی است؛ به این معنا که هر چه از سلسله‌ی پهلوی به دهه‌های گذشته رجوع شود؛ البسه‌ی بانوان، پوشیده‌تر و موضوع رعایت حجاب در البسه، جدی‌تر رعایت می‌شده است؛ همانطور که در این دوره، ابنیه‌ی مسکونی نیز پوشیده‌تر و دارای حریم‌های قوی‌تری بوده‌اند. اما هر چه از سال‌های شروع دوره‌ی پهلوی در ایران به جلو پیش می‌رود؛ به تدریج و تحت قوانین و سیاست‌های حکومت، تشدید فرآیند حجاب‌زدایی در البسه‌ی بانوان دیده می‌شود؛ همان‌طور که تشدید فرآیند حریم‌زدایی در ابنیه‌ی مسکونی به چشم می‌خورد (جدول ۳).

با توجه به اسناد و تحلیل‌های فوق، برونزا بودن، وجه اشتراک مهمی است که در این دوره، هم در فرآیند حریم‌زدایی از ابنیه و هم در فرآیند حجاب‌زدایی از البسه قابل مشاهده است. به این معنا که در هر دو موضوع ابنیه و البسه، نقش سیاست‌ها و قوانین اجباری بخش‌های حاکمیتی و دولت (که غالباً به صورت برونزا و خارج از جریان‌ات اعتقادی و فرهنگی جامعه به توده‌های مردم ابلاغ می‌شد) غیرقابل‌انکار است. از واضح‌ترین شواهد این مدعا، رواج اصطلاحاتی همچون «کلاه پهلوی» و «خیابان رضاخانی» در این دوره است که اولی حاصل قوانین و دخالت برونزای حکومت در البسه و دومی حاصل دخالت برونزای حکومت در ابنیه بود که منتج به خیابان‌کشی‌های مستقیم در بافت‌های تاریخی شهرهای مختلف شد.

۴. نتیجه‌گیری

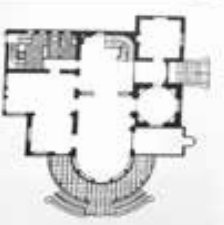





طبق تحلیل‌های ارائه شده در این پژوهش مشخص شد که همان‌طور که زمامداران پهلوی، حجاب و پوشش اسلامی برای زنان ایرانی را نشانه‌ی عقب‌ماندگی و سلب آزادی، و بی‌حجابی را نشانی از تجدد و پیشرفت می‌دانستند و

جدول ۳. بررسی تطبیقی البسه و ابنیه‌ی قبل و بعد از دوره‌ی پهلوی (مأخذ: نگارندگان)

زمان	البسه‌ی بانوان	حجم ابنیه‌ی مسکونی	پلان ابنیه‌ی مسکونی	تطبیق البسه و ابنیه
قبل از پهلوی (دوره‌ی قاجار)		 خانه صالح		- در هر دو موضوع البسه‌ی بانوان و ابنیه‌ی مسکونی، سعی بر حداکثر پوشانندگی بود. - در هر دو موضوع سعی بر عدم تشخص و خودنمایی در وجه بیرونی بود. - در هر دو موضوع سعی بر لحاظ کردن مسائل شرعی و دستورات دینی بود.
		 خانه باکوچی		





<p>- تغییرات در هر دو موضوع البسه و ابنیه، از بخش های حکومتی و غیرمردمی شروع شد و سپس با وضع قوانین، به اجبار به بخش های مردمی منتقل شد.</p> <p>- سیر تحولات در هر دو موضوع، متأثر از مفهوم لیبرالیسم و آزادی به سبک غربی بود.</p>	 	 	 	<p>پس از پهلوی (تا سال ۱۳۲۰)</p>
------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------

به تغییرات البسه و ابنیه در دوره پهلوی، رابطه معناداری وجود دارد.

این معناداری، آنگاه با وضوح بیشتری آشکار می شود که توجه شود که در خانه هایی که عریان و فاقد هر نوع حریم هستند؛ احتمال پرورش بانوان مقید به حدود شرعی، ضعیف تر است؛ مقایسه می میزان تقید به حجاب و حدود شرعی در خانه های برونگرای معاصر با میزان تقید به حجاب در خانه های درونگرا و حریم مند سنتی، تأییدی است بر این مهم. این امر بیانگر اهمیت نقش و تأثیر معماری در ترویج ارزش های دینی می باشد. البته بدیهی است که این ادعا به معنای اعتقاد به جبر کالبدی نیست و نمی توان چنین گفت که خانه ای فاقد حریم، اجباراً انسان را غیرعقیف و سست اعتقاد می کند و یا کالبد حریم مند، اجباراً انسان را مومن و مقید می نماید؛ اما در عین حال نمی توان منکر ارتباط این دو و تأثیر کنش های کالبدی و معمارانه بر بسترسازی برای ترویج یا تضعیف ارزش های دینی شد.

در معماری درون گرا (سنتی)، مناسبات معماری به گونه ای تنظیم می شد که روابط انسان ها نیز تحت تأثیر آن، عقیفانه تنظیم گردد. به نحوی که در این نوع معماری، روابط غیرضروری

طبق اسناد و تحلیل های ارائه شده در این پژوهش مشخص شد زمامداران پهلوی در ابلاغ سیاست های حریم زدا و حجاب زدا در ابنیه و البسه، متأثر از فرهنگ غرب بودند که این موضوع با سفر رضاشاه به ترکیه و مشاهده مظاهر تجدد و فرنگی مآبی در این کشور تشدید شد. از آنجایی که لیبرالیسم (با تأکید بر آزادی مطلق فرد و رهایی او از محدودیت ها و ضوابط دینی) از مهمترین وجوه فرهنگ معاصر غرب است؛ نقش این مکتب فکری در تحولات و سیاست های ابلاغی زمامداران ایران در این دوره کاملاً برجسته است. به عبارت دیگر، زمامداران ایران در این دوره، شیفته ی فرهنگی بودند که لیبرالیسم و ترویج آزادی به سبک غربی از مهم ترین شاخصه های آن بود که این موضوع به خوبی از اسناد مربوط به جملات آنها قابل استنباط است (به بخشی از این اسناد و جملات در این پژوهش اشاره شد). به همین دلیل، در سیاست های ابلاغی آنها (نظیر قانون کشف حجاب و یا برخی قوانین مرتبط با توسعه و تعریض معابر با الگوهای غربی) می توان رد پای لیبرالیسم فرهنگی غرب را مشاهده نمود. لذا؛ با توجه به مجموعه اسناد و تحلیل های ارائه شده، چنین استنباط می شود که بین کنش های مربوط





در حضور مهمانان در مقایسه با سهولت این موضوع برای وی در مطبخ در خانه های درونگرای سنتی). از این رو، چنین استنتاج می شود که نقش معمار و کالبد معماری در تسهیل پای بندی شهروندان به ارزش های دینی، نقش قابل اعتنایی است و لذا شایسته است این موضوع در سیاستگذاری های فرهنگی در ارکان مختلف کشور، مورد توجه قرار گیرد. به بیان دیگر، نمی توان در ضوابط معماری و شهرسازی، انواع الگوهای حریم زدا و برونگرا را ترویج نمود و در همان حال، انتظار داشت که افرادی که در چنین فضاهایی زیست می کنند؛ مقید به رعایت حداکثری سبک زندگی اسلامی و ارزش های دینی باشند.

اقتدار مختلف، محدود می شد و مراعات روابط عقیفانه بین زن و مرد، تسهیل می شد و اگر کسی قصد داشت که در چنین خانه ای عقیف نباشد؛ بایستی تلاش مضاعف می نمود. ولی در معماری معاصر و برون گرا - که ساختمان ها با الگوی فضاهای باز و فاقد حریم طراحی می شوند - باز شوها به گونه ای است که از بیرون به داخل خانه اشراف وجود دارد و در داخل خانه نیز حریم و تفکیکی بین فضاهای عمومی و خصوصی وجود ندارد. این نوع معماری، برخلاف معماری درونگرا که بستر ساز عفاف بود؛ تسهیل کننده ی عدم عفاف است و به وضوح، رعایت حجاب و عفاف را برای بانوی خانه دشوار می سازد (نظیر مشقت رعایت حجاب برای بانوی خانه در آشپزخانه های open

پی نوشت

۱. ثَلَاثَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيهِنَّ رَاحَةٌ دَارٌ وَاسِعَةٌ تُوَارِي عَوْرَتَهُ وَ سَوْءَ خَالِهِ مِنَ النَّاسِ.

۲. لَا تُنْزِلُوا النِّسَاءَ الْعَرْفَ.

۳. Liberalism.

۴. Liberty

۵. liber

۶. به همین دلیل است که در آموزه های اسلامی، به شدت بر رعایت اصل محرمیت فضایی در ارتباط بین بانوان و آقایان تأکید شده است. در این خصوص روایات متعددی نقل شده است که از آنها راهبردهای معمارانه ای قابل استنباط است. نظیر این روایت که از آن، لزوم رعایت حریم فضایی بین فضاهای مختلف و به ویژه بین فضاهای عمومی و خصوصی خانه استنتاج می شود: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ يَدْخُلَ الرَّجَالُ عَلَى النِّسَاءِ إِلَّا بِإِذْنِهِنَّ: پیامبر خدا (ص) از اینکه مردان بر زنان وارد شوند نهی کرد مگر با اجازه آنان» (کلینی ۱۴۰۷ق، جلد ۵، ۵۲۸).

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آرشیوتکت، ۱۳۲۷. آرشیوتکت های ما را بهتر بشناسید. آرشیوتکت (۶): ۲۱۹-۲۳۱.
۳. بانی مسعود، امیر. ۱۳۹۴. معماری معاصر ایران در تکاپوی بین سنت و مدرنیته. تهران: هنر معماری قرن.
۴. پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۸۳. سبک شناسی معماری ایرانی. تهران: سروش دانش.
۵. حائری مازندرانی، محمدرضا. ۱۳۸۸. خانه فرهنگ طبیعت. تهران: انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۶. دلریش، بشری. ۱۳۷۵. زن در دوره ی قاجار. سوره.
۷. رئیس، محمدمنمان. ۱۳۹۵. علت کاوی بحران هویت در معماری و شهرسازی معاصر ایران با تأکید بر سه گانه بینش، ارزش و کنش. هنرهای زیبا معماری و شهرسازی ۲۱ (۴): ۶۳-۷۴.
۸. رئیس، محمدمنمان. ۱۳۹۷. معماری و شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی از تشریح وضع مطلوب تا تحلیل وضع موجود. قم: انتشارات دانشگاه قم.
۹. رجبی، اشرف. ۱۳۸۴. تاریخچه ی تحول پوشاک بانوان ایرانی در دوره ی قاجاریه. رشد آموزش تاریخ (۲): ۳۹-۴۴.
۱۰. شیخ حر عاملی، محمد بن الحسن. ۱۴۰۹ق. وسائل الشیعه، جلد ۵ و جلد ۲۰. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۱۱. صدر، محسن. ۱۳۶۴. خاطرات صدر الاشراف. تهران: وحید.
۱۲. صلاح، مهدی. ۱۳۸۴. کشف حجاب، زمینه ها پیامدها و واکنشها. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
۱۳. قبادیان، وحید. ۱۳۸۲. مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.





۱۴. قبادیان، وحید. ۱۳۹۴. سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران. تهران: مؤسسه علم معمار.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ق. کافی. تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. کیانی، مصطفی. ۱۳۸۶. معماری دوره‌ی پهلوی اول. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۱۷. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۷۵. ارزش‌های اسلامی در مدیریت. معرفت (۱۷): ۱۸-۳۰.
۱۸. معتضد، خسرو، و نیلوفر کسری. ۱۳۷۸. سیاست و حرمسرا، زن در عصر قاجار. تهران: علمی.
۱۹. معماریان، غلامحسین. ۱۳۸۴. آشنایی با معماری مسکونی ایرانی گونه‌شناسی درونگرا. تهران: سیمای دانش.
۲۰. مقتدر، رضا. ۱۳۷۲. دوره‌ی صدساله تجدد در شهرسازی و معماری ایران. ایران نامه ۱۱ (۲): ۲۵۹-۲۷۰.
۲۱. مکی، حسین. ۱۳۶۲. تاریخ بیست‌ساله ایران، جلد ششم. تهران: علمی.
۲۲. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۷. درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی. تهران: پیام سیما.
۲۳. URL1: <http://corbusier.totalarch.com>
۲۴. URL2: <http://www.golestanpalace.ir>
۲۵. URL3: <http://www.iichs.ir>
۲۶. URL4: <http://www.irde.ir>

References

1. *Holy Quran*.
2. Architect. 1948. Know More about Our Architects. *Architect* (6): 219- 231.
3. Bani Masoud, Amir. 2015. *Contemporary Architecture of Iran*. Tehran: Honar-e Memari-e Gharn.
4. Delrish, Boshra. 1396. *Woman in Qajar Era*. Sooreh.
5. Ghobadian, Vahid. 2003. *Theories and Concepts in Contemporary Western Architecture*. Tehran: Iran Cultural Studies.
6. Ghobadian, Vahid. 2011. *Theories and Styles in Contemporary Iranian Architecture*. Tehran: Elm-e Memar Institute.
7. Haeri Mazandarani, Muhammad Reza. 2009. *House, Cultur, Nature*. Tehran: Urban Planning and Architecture Research Center of Iran.
8. Kiani, Mostafa. 2007. *Architecture in First Pahlavi Era*. Tehran: Institute for Iranian Contemporary Historical Studies.
9. Koleini, Muhammad ibn-e Yaghub. 1987. *Kaafi. Corrected by AliAkbar Ghaffari and Muhammad Akhundi*. Tehran: Dar al-Kotob al-Eslamiah.
10. Makki, Hussein. 1982. *20 Years History of Iran, Vol 6*. Tehran: Elmi.
11. Memarian, Gholamhossein. 2004. *Understanding Iranian Residential Architecture, Introverted Typology*. Tehran: Sima-ye Danesh.
12. Mesbah Yazdi, Muhammad Taghi. 1995. Islamic Values in Management. *Marefat* (17): 18- 30.
13. Moghtader, Reza. 1993. 100 Years of Modernity in Urbanism and Architecture of Iran. *Iran Name* 11 (2): 259- 270.
14. Motazed, Khosro, and Niloofar Kasraa. 1999. *Politics and Harem, Woman in Qajar Era*. Tehran: Elmi.
15. Noghrekar, abd-al-hamid. 2008. *Introduction to Islamic Identity in Architecture and Urbanism*. Tehran: Payam-e Sima.
16. Pirmia, Muhammad Karim. 2004. *Stylistic of Iranian Architecture*. Tehran: Soroush-e Danesh.
17. Rajabi, Ashraf. 2005. The History of Iranian Women's Clothing in Qajar Era. *Roshd, Amuzesh-e-Tarikh* (2): 39- 44.
18. Raeesi, Mohammad Mannan. 2017. Seeking the Cause Of Identity Crisis in Contemporary Architecture and Urbanism of Iran With Emphasis on Triple of Vision and Value and Action. *Honar-ha-ye-Ziba Memari-va-Shahrsazi* 21 (4): 63- 74.
19. Raeesi, Mohammad Mannan. 2018. *Architecture and Urbanization in accordance with the Islamic Lifestyle: from Descriptive of Desired Status up to Analysis of the Present*. Qom: University of Qom.
20. Sadr, Mohsen. 1985. *Sadr al-Ashraf Memories*. Tehran: Vahid.
21. Salah, Mahdi. 2004. *Kashf-e Hijab (Removing of Hijab), Backgorund, Sequences, and Reactions*. Tehran: Political Studies and Research Institute.
22. Sheikh Hor-re Ameli, Muhammad ibn-e al-Hassan. 1989. *Vasaal al-Shieh, Vol 5 & 20*. Qom: Aal ul-Bayt Institue.
23. URL1: <http://corbusier.totalarch.com>
24. URL2: <http://www.golestanpalace.ir>
25. URL3: <http://www.iichs.ir>
26. URL4: <http://www.irde.ir>





Comparative Study of Veil Abandonment and Privacy Abandonment in Iranian Clothing and Buildings before and after The Pahlavi Dynasty

Mohammad Mannan Raeesi*

Ph.D in Architecture, Assistant Professor, University of Qom (Corresponding Author)

Zahra Ansari pour **

University of Qom

Received: 17/12/2018

Accepted: 12/03/2019

Abstract

The issue of non-observance of privacy in contemporary Iranian clothes and buildings is one of the most important cultural issues in the country due to its lack of proportion to the Islamic culture of Iran, it has brought various cultural and social consequences in contemporary Iranian society; in particular, there are some verses in the holy Qur'an referring to the issue of veiling for women, Like these verses: "O Prophet, tell your wives, your daughters and the believing women to draw their veils close to them, so it is likelier they will be known, and not hurt. Allah is the Forgiver, the Most Merciful" (Ahzab/59). "And say to the believing women, that they lower their gaze cast down their eyes and guard their chastity, and do not reveal their adornment except that which is outward (face and hands); and let them draw their veils over their neck, and not reveal their adornment except to their husbands, or their fathers, or their husbands' fathers, or their sons, or their husbands' sons, or their brothers, or their brothers' sons, or their sisters' sons, or their women, or what their right hands own, or such male attendants having no sexual desire, or children who have not yet attained knowledge of women's private parts; nor let them stamp their feet, so that their hidden ornament is known. And, O believers turn to Allah all together, in order that you prosper" (Noor/31).

This research using the historical interpretation method and with reference to documentary sources deals with this question that historically, in the recent centuries of Iran, is there a meaningful relationship between veil abandonment in clothing (especially women's clothing) and privacy abandonment in building (especially residential buildings)?

According to the findings of this research and in response to the above question, it is concluded that in the contemporary history of Iran, veil abandonment and privacy abandonment actions in clothes and buildings are rooted in a common vision which the intellectual school of liberalism, as one of the most important aspects of modernization and modernity, emphasizing the absolute freedom of the individual is the indicator of this insight. In the Pahlavi era, the manifestation of this liberalism in clothing has been interpreted as the discovery of the veil and the absolute freedom of women in dress and veil, as its expression in architecture has been interpreted as extravagance and privacy abandonment of buildings (spatial liberation). In addition to the common insight, the most important aspects of veil abandonment and privacy



abandonment in Iranian clothing and buildings is eternality and extension of the government to the people during the Pahlavi era which the evidence of this claim is presented in this study.

Keywords: Ladies Clothing, Residential Buildings, Liberalism, Ceil Abandonment, Privacy Abandonment.



Managing Director: vice chancellor for
research-Iran University of Science and Technology

Editor-in-chief: Mohsen Feizi

Administrative Director:

Fatemeh Mehdizadeh Seraj

Administrative assistant:

AmirHosein Yousefi- Zahra Kashani dust

Persian literary Editor: Sara Motevalli

English literary Editor: Mohamad Reza Attae

Editorial Board Members:

Seyyed Gholam Reza Eslami: Associate Professor,
Tehran University

Hasan Bolkhari: Associate Professor, Tehran University

Mostafa Behzadfar: Professor,

Iran University of Science and Technology

Mohammad Reza Pourjafar: Professor,

Tarbiat Modares University

Mahdi Hamzeh Nejad: Assistant Professor,

Iran University of Science and Technology

Esmail Shieh: Professor, Iran University

of Science and Technology

Manoochehr Tabibian: Professor, Tehran University

Mohsen Faizi: Professor, Iran University

of Science and Technology

Hamid Majedi: Associate Professor, Science and

Research Branch, Islamic Azad University

Asghar Mohammad Moradi: Professor, Iran University

of Science and Technology

Gholam Hossein Memariyan: Professor, Iran University

of Science and Technology

Fatemeh Mehdizadeh: Associate Professor, Iran University

of Science and Technology

Mohammad Naghizade: Assistant Professor, Science and

Research Branch, Islamic Azad University

Ali Yaran: Associate Professor, Iran Ministry of Science,

Research and Technology

Design assistant: AmirHosein Yousefi

Reviewers for Volume7, Number22:

Ali Asadpour: Assistant Professor, Tabriz Islamic Art University

Lida Balilinasl: Assistant Professor, Tabriz Islamic Art
University

Ahad Ebrahimi Nezhad: Assistant Professor, Tabriz Islamic Art
University

Mahmoud Ghalenoe: Assistant Professor, Isfahan Art University

Saeed Haqir: Assistant Professor, University of Tehran

Majid Hashemi: Assistant Professor, Rajaee University

Mohamad Bagher Kabirsaber: Assistant Professor, University of
Tehran

Hamed Kamelnia: Assistant Professor, Ferdosi University

Akbar Kiani: Assistant Professor, Zabol University

Razieh Labibzadeh: Assistant Professor, Azad Islamic
University

Shahriar Nasekhian: Assistant Professor, Isfahan Art University

Abdolhamid Noghrekar: Associate Professor, Iran University
of Science and Technology

Behzad Omranzadeh: Assistant Professor, University of Tehran

Hasan Sajadzadeh, Assistant professor, Boali University

Nima Valibeig: Assistant Professor, Isfahan Art University

Behzad Vasiq: Assistant Professor Jondy Shapoor University





- **Comparative Study of Veil Abandonment and Privacy Abandonment in Iranian Clothing and Buildings before and after The Pahlavi Dynasty**
 Mohammad Mannan Raeesi / Zahra Ansaripour
- **Comparative study of physical and functional structure in Tabriz Saheb-Abad square and Isfahan Naghsh-e-Jahan square in hictorical periods**
 Isa Hojat / Azita Balali Oskouyi / Sana Yazdani
- **Meidān-i Asb-i Shāhi: The Frontage for Safavid Dowlatkhaneh of Qazvin**
 Hamidreza Jayhani / Fatemeh Rajabi
- **An Assessment of the Evolution of Structural Forms of Iranian Schools: Seljukid Era into Ghajar Period (From the Fifth to the Fourteenth Century AH)**
 Mansoureh Mohseni
- **Nature, Politics and Architecture; Reading Out the Interaction of Nature, Politics and Culture Components in the Architecture Creating Process of Tabriz Blue Mosque**
 Mohammad baqer Kabirsaber / Amir Amjad Mohammadi
- **CPC (Child Preceptor City): Revising CFC (Child Friendly City) Model in an Islamic Iranian Context**
 Parya Parsa / Morteza Mirqolami / Minou Qarabaglou
- **Expressing the Diversified Aspects in Housing Heritage of Isfahan**
 Azadeh Hariri / Behnam Pedram / Maryam Ghasemi Sichani